

مثال افرد ما که در ابتدای عقل ببینید.

جلسه بار دوم ۲۳ مار

ماست این جلسه به دوره کتاب احکای روز جهان ، اعتقاد دلمان ،

شروع می کنیم -

همانقدر که قتله گفتیم در صحبت اعتقاد دلمان با لریا ط این متغیرهای علمی و دلمان

سروکار داریم - در این عقل ، نیکری ما هم در لریا ط با حیران کالاهای و خدایات

این محبت های مختلف لذت ببریم.

معنی داریم تحت عنوان به الهوی صدور در اصد و تولید می باشد.

وقتی که الله را بخاری ببریم ، در حقیقت الله ، به کفرفته از واقعیت است و بی مالی که

واقعیت .

یعنی ممکن است همه بی حدی های دنیای واقعیت را در الهو ببینید . هر قدر این الهو

مفروضات کمتر داشته باشد ، پیچیده تر کند . و به دنیای واقعی نزدیک تر است

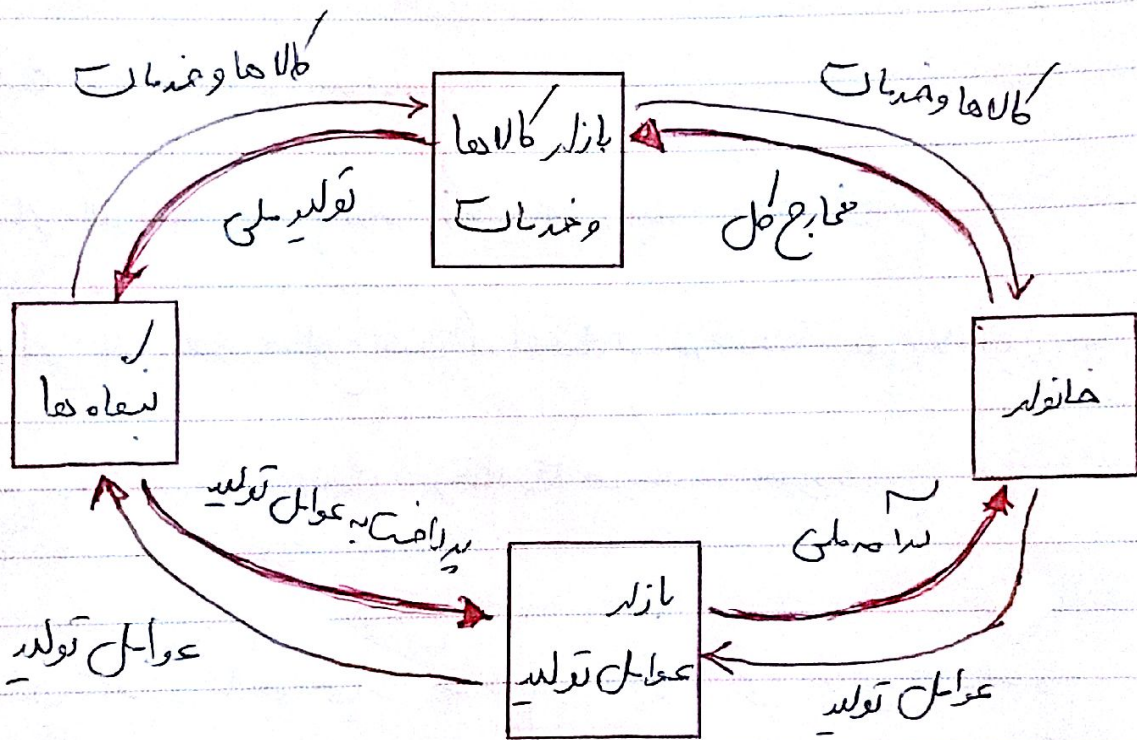
و در لریا ط این متغیرها را بی حدی آن را بهر تو وضع می دهد .

مالک باده ترین الگوی صدور درآمد و تولید استقامتی کنیم و بعد این مدل را به

دنیای واقعی نزدیک تر می کنیم.

در یک اقتصاد بسته می توان گفت که ۲ نوع بازار داریم.

یکی بازار کالا و خدمات و دیگری بازار عوامل تولید (بازاری کار و سرمایه)



کوچکترین واحد مصرف کننده را خانوار می گویند و کوچکترین واحد تولید کننده را هم شرکت می گویند

این خانوارها و شرکتها را به ترتیب ۱، ۲ بازار کالا و خدمات، و بازار عوامل تولید، با هم

ارتباط دارند (در باده ترین الگوی ممکن ما به شکل بالا)

این آنگو، ۳ فرقی اساسی دارد

① در این آنگو، بازاری به اسم بازار مالی نمی بینند -

بازار مالی مستقلند، بازار پول و سرمایه و ... که در این بازارها

خانوارها پس اندازهای خود را از طریق بازار، در اختیار نخبه قدرتی دهند -

و منافع لازم را کسب می کنند -

② در این آنگو، نخبه به نام دولت در کنار خانوار و نخبه، گاه می کنند -

③ در این آنگو، فرقی بر این است که اعتقاد راسخ است - یعنی باورهای خارج

همه ارتباط اعتقادی ندارند (حالت خودکفایی وجود دارد)

حال این سه فرقی را بیاییم کنار هم بنویسیم و به دنبال واقعی نزدیک تر می شویم

و ببینیم که چه ارتباطی بین معتقدات کلان که معرفی می کنیم وجود دارد

در این آنگو (مستقل قبل) خانوارها، در ابتدا خدمات عوامل تولید را

از طریق بازار عوامل تولید در اختیار نخبه قدرتی دهد. این خدمات عوامل تولید



سؤال ۱: نیروی کار (مقتضی درجه، ظاهر، غیر با هر دو...)

۲) سرمایه

نیروی کار، در حقیقت یکی از عوامل تولید است که در نگاه ما، کاری کند. هم به فعل  
فکری و هم به فعل دیدی، نیروی کار خود را در اختیار نگاه قرار می دهد.

سرمایه هم اینقدر نگاه های تولید، با بار بارفته می شوند

نگاه ها، عوامل تولیدی نه از خاک تولید دریافت می کنند، در قبایل آن، بی باقی  
از قدرت با زلزله به خاک تولید دلبرند - از دیدگاه مطلق، هم در اموال کسب کرده  
تولید خاک تولید در اقتصاد ملی را در اموال کسب کرده

در اموال ملی عبارت است از مجموع دارا در اموال کسب کرده در اقتصاد ملی

در طول مکیال

این دو ماده ملی <sup>۱۵</sup>سپل های مختلفی دارند  
۱) به <sup>۱۵</sup>سپل حقوق و یا باس : که نیروی کار، عامل تولیدی مانا شده

دانشگاه ریاضه قدری دهم

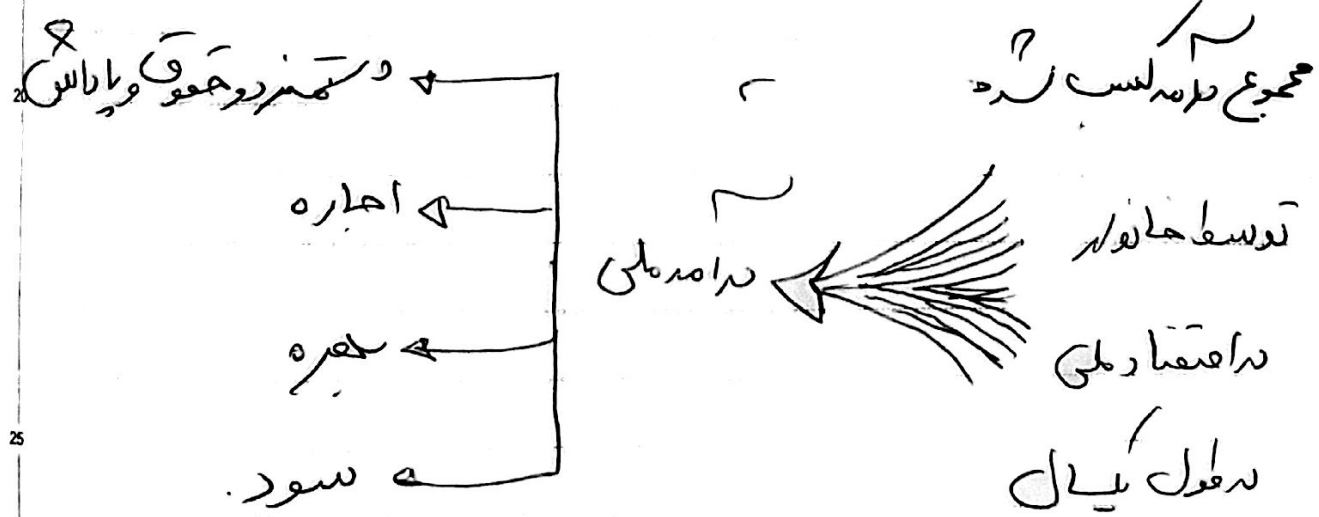
۲) اجاره : اگر خانه تولید، مثلا زمین کافوری یا مغازه ای دارند در اختیار

دنیاه قدری در صورتی که قابل تولید داد اجاره

۳) بهره : با سود متفاوت است (برعکس سود) به لحاظ سعی اشغال دلدرد

۴) سود : به هم برسانه است و رقم از قبل تعیین و تعیین شده نسبت

که <sup>حالا</sup> در آمد خانوارها مجموعا در آمد ملی برادر اقتصاد ملی در جدول بیان <sup>سی</sup>کلی



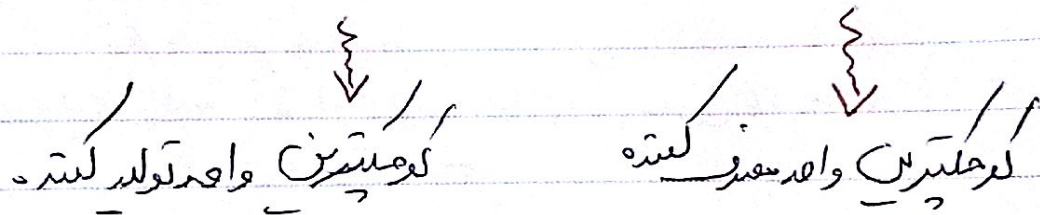
تا اینجا، نسبت نمودار اوقفه داریم. خلاصه ای از این اوقفه لغتیم:

خانواده عوامل تولید را از طریق بازله عوامل تولید، در اعیان رفیقا، قدری دیده و رفیقاها نیز لغت های رایج خانوادگی را در این سیر لغت ها، در اعیان رفیقاها دیده اند.

شکل سی دیده که نزد خیزت لیل شده است.

لغتیم که در این اوقفه، ۲ واحد اوقفه ای داریم.

(۱) خانوادگیها (۲) رفیقاها



حداقل فرد، گروهترین واحد معنی کشته است.

همین از جمیع های افراد در خانواده، شکل می گیرد و در اعیان که در خانواده

بسیار می آید بر اساس از جمیع های خیزه کلاه و خیزان قسمت بخشیدن برای رفیقاها

الذمه می توانیم خانوادگی گفته هم داریم.

حالتی در این صورت بالای تولید

بی خواهد بود که تفاوت این عوامل تولید را چهارمی گفته

تفاوتها از این خدایان عوامل تولید، استناد می کنند و تا اینجا کسری مواد اولیه، کالاها و خدایان را تولید می کنند و از طریق بازار کالا و خدایان، نه افزایش، افزایش تولید

قدرتی هستند

خانواده هم از عمل در آمده های بدست آورده، این کالاها و خدایان که از بازار کالا و خدایان

دریافت کرده اند، خریداری می کنند که این خارج انجام می شود و سری کالاها و خدایان

خریداری شده، خارج معضری خانوادگی است. (بهای دریافت شده آن کالاها و خدایان)

در این مورد، خارج معضری خانوادگی، کل خارج معضری جامعه، شامل می شود

(همچون مورد قبلی است، معضری کل نیز فقط از یک بخش کلش شده است)

خارج خانوادگی = خارج کل

بهای دریافت شده کالاها و خدایان = ارزش این کالاها و خدایان بهایی تولید شده

مقابل

که به شکل  $\frac{1}{2}$  در نامه یا به باقی در جیب بنفادهما قدری کمتر ✓

در واقع یک جریان  $\frac{1}{2}$  فیبرهای دلم (دایره درونی)  $\frac{1}{2}$  از کلاه و عددا و عوامل تولید

یک جریان  $\frac{1}{2}$  پولی دلم (دایره درونی)  $\frac{1}{2}$  جریان پولی موارد بالا

نکات:

۱)  $\frac{1}{2}$  خارج حل = خارج معرزی حالت اولرها

به همین دلیل،  $\frac{1}{2}$  آن نیروی یک جسمی می تولید ✓

۲)  $\frac{1}{2}$  تولید ملی را می توانیم به این شکل تلف کنیم

تولید ملی، حاصل  $\frac{1}{2}$  ریش را می آن کلاهها و خندان بهایی تولید کرده است

جمع لریش  $\frac{1}{2}$  کلاهها و خندان تولید کرده در امتداد ملی در یک دوره  $\frac{1}{2}$  ساله

در اصل ملی = تولید ملی

بهمان اندازه ای که تولید می شود، ایجاد نامه می شود ✓

در اصل ملی = مجموع نامه نگار شده که در طول زمان در امتداد ملی در طول  $\frac{1}{2}$  سال

ERAP

تولید ملی =  $\frac{1}{2}$  لریش کلاهها و خندان تولید کرده





### الزامات عمل فیزیکی نسبت

تولید ملی

بهدار اجتماعی است که در آن به اساس حداقل سرمایه فیزیکی، هر طرف نسبت

به صادرات می‌تواند. <sup>(۱)</sup> حال باید شکل صادرات کالا و خدمات به بازار خدمات  
را شکل می‌دهد

<sup>(۲)</sup> به شکل صادرات عوامل تولید به بازار عوامل تولید را شکل  
می‌دهد

حداقل فیزیکی ها :

(۱) مخارج عمل = مخارج مصرفی

(۲) تولید ملی = درآمد ملی

(۳) انرژی مایه تک بخشی است دلاری <sup>۳</sup> صرفن می‌ماند

الف) مایه مالی وجود ندارد

ب) دولت وجود ندارد

ج) اقتصاد بسته است و واردنی خارجی را نیاز ندارد

حالت خود کفایی است

## حالت خودکفایی :

یعنی همه نیازها در داخل تأمین می شود.

الذبحه این فرقی غیر ممکن است.

خودکفایی با استقلال اقتصادی متفاوت است.

استقلال اقتصادی می تواند به معنی ارتباط با دنیای خارج نداشته باشد.

ولی خودکفایی یعنی نه به شکل واردات و نه به شکل صادرات با دنیای خارج ارتباطی نداشته باشد.

مسلم است که این اتفاق هرگز نمی افتد. این مربوط به جوامع سنتی است.

مسئله تولید یا چندگانه خاص خصوصاً کالاهای سرمایه‌ای لازم برای خودکفایی

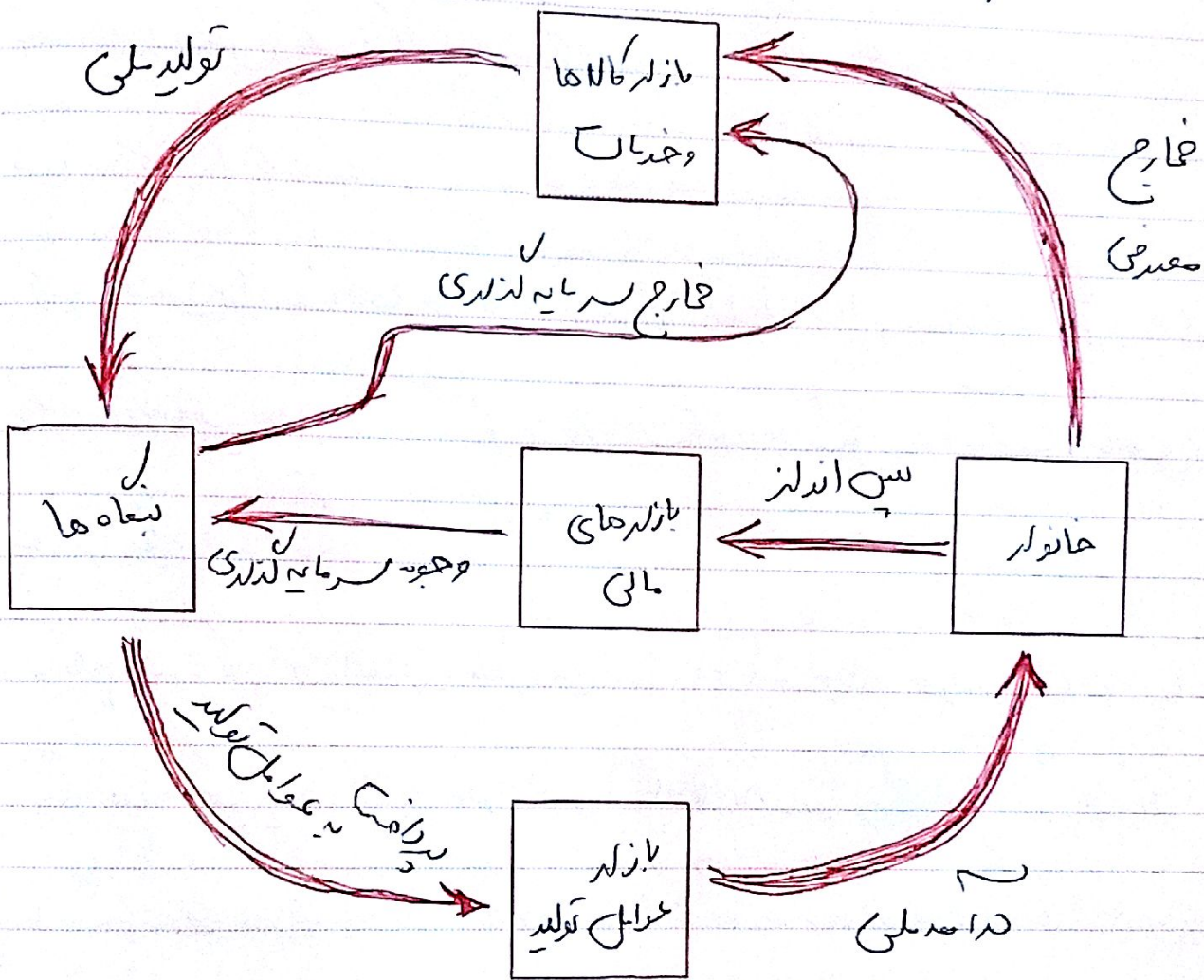
نیست، ولی غیر اقتصادی و غیر ممکن است. کوری بخواهد صنایع خود را برای

خارج بسازد و آنرا این کار انجام دهد، ممکن به ناست.

این موارد شاید در جوامع سنتی مانند جوامع روستایی و یا سایر معادن را داشته باشد.

ولی در دنیای امروز جای ندارد.

حالت قبل باوردهای درآمد ملی و تولید ملی است  
 حال از این سری بی بخشی، می بینیم روی سری ۲ بخشی



در این حالت بی عرضه و تقاضا قبل از آنکه تولید کنیم:

① بازار مالی وجود ندارد. ② دولت وجود ندارد

③ اعتماد به نفس است.

Date

Page (۱۹۵)

بازار مالی را می توانیم در دو بخش مورد بررسی قرار دهیم

در این بازار مقدمات مالی، مبارزه می شود و خانواده ها در این بازار به چهار دسته می

رسان (که اسم آن پس انداز می باشد) از طریق این بازار در اختیار نگاهدارنده

می دهند و نگاهداران این وجوه را به نام وجوه سرمایه گذاری (از دید نگاهداران)

به سرمایه گذاری اختصاص می دهند و بگیری کالاها و خدمات سرمایه ای

تولیدی سود

در این مورد، فلسفه نه طرف نگاه به سمت بازار خدمات و کالا، و به سمت به سمت

نگاهها را داریم

در این مدل فرقی بر این است که نگاهها هم کالاها را می بیند، معنی نیست

که در اختیار نگاهدارنده قرار بگیرد

در حالت قبل جریان فیزیکی را در کنار جریان مالی می دیدیم. یعنی همان در کنار جریان

فیزیکی، جریان مالی نیز وجود دارد. و برعکس

وی برای آنکه مورد بررسی شود، جریان فیزیکی را در ادامه آن نمی دهیم و فقط



۱۹  
 جریان مالی را نشان می دهیم - به عبارت دیگر، قویاً نمودار داخلی را اصلاح  
 قبل از آن، در این شکل خواهیم دید دامنه سرخ رنگی بخاطر جلوگیری از تعدیل  
 مثبت، حذف شده است.

۲۰  
 در این بازار، خانوکر، درآمد بازار خود را پس انداز می کنند و در قالب، در مجموع سرمایه گذاری  
 از طریق بازار مالی در اختیار نگاه می دارند  
 نهادهایی که در بازارهای مالی سفول به کار می آید مانند بانک ها، مؤسسات مالی  
 و بازار بورس و نفع های آن  
 نکته ۲

۲۱  
 چون اطمینان اعتماد بجا است، بازار کمزور وجود ندارد.  
 ۲۲  
 بازار کمزور در حال کالاهای خود را می یابد که در قالب بورس کالا، سایر اوراق انجام می شود  
 ۲۳  
 بورس کالاها، فزاینده در بر مولد است، همان هست بازار کالاهای خود را می یابد  
 ۲۴  
 نگاهها، بگیری کالاها و خدماتی که سایر نگاه ها تولید می کنند برای خرید و پول  
 آن را به نگاهها می رانند.

Date: \_\_\_\_\_

✓ انبساط گسترده از نگاه به سمت بازار، فلسفه لذت‌گرا، با عنوان

کالا و خدمات (در سطح اول)

✓ در سطح دوم کالاها و خدمات، به سمت خانوار نمی‌روند. یعنی لذت‌گرا، نبرد

✓ نگاه‌های دیرینه بود. در حقیقت، کالاهای سرمایه‌ای هستند

کالاهای سرمایه‌ای که نفع‌ها خریداری می‌کنند. نفع‌های دیرینه خریداری کرده‌اند به همین

دلیل فلسفی از نگاه به سمت بازار کالا و خدمات داریم. و در بازار کالا و خدمات

به نگاه هم‌فلسفه داریم. همان‌هایی که آن را نیز به سطح خارج سرمایه‌اندازی

می‌بینیم. ✓ به عبارتی دیرینه

معادن ارزش کالاهای سرمایه‌ای هست که نگاهها  
خارج سرمایه‌اندازی

✓ خریداری می‌کنند. (بازار آلود و تجهیزات سرمایه‌ای ...)

دقت کرده:

✓ کلی خارج می‌که اتفاق می‌افتد، از ۲ بخش تشکیل می‌شود

- ① خارج سرمایه‌اندازی نگاه
- ② خارج معیشتی خانوار

مخارج کل = مخارج معرفی + مخارج سرمایه‌گذاری

تولید ملی = جمع مخارج معرفی و مخارج سرمایه‌گذاری

(۲ فلس باه)

تولید ملی = مخارج کل = مخارج معرفی + مخارج سرمایه‌گذاری

درآمد ملی = تولید ملی = مخارج کل

در همه این موارد، این رابطه برقرار است

در مخارج کل در حالت بی‌بختی، فقط مسائل مخارج معرفی بود  
 در حالت بختی، مسائل مخارج معرفی و مخارج سرمایه‌گذاری  
 می‌باشد

در صورت باقتضای دولت، مخارج معرفی، ملاتر اضافه می‌شود

Date: \_\_\_\_\_

Page: (۱۹۷)

حالت اول = مخارج کل = مخارج معمرنی  
 مخارج کل  
 حالت دوم = مخارج کل = مخارج معمرنی + مخارج سرمایه گذاری

در مورد مخارج سرمایه گذاری، کمی بیشتر توضیح می دهیم

سرمایه گذاری از وقت ۱ - سرمایه گذاری ثابت  
 تشکیل شده است  
 ۲ - سرمایه گذاری در موجودی ابزار

سرمایه گذاری ثابت: فاضل تولید نگاه‌ها را با لای برد

در موجودی ابزار: تقسیمی که در موجودی ابزار رخ می دهد.

مخارج سرمایه گذاری = سرمایه گذاری ثابت + سرمایه گذاری در موجودی ابزار

سرمایه گذاری ثابت: خرید ماشین آلات دست اول است (در اقتصاد اول)

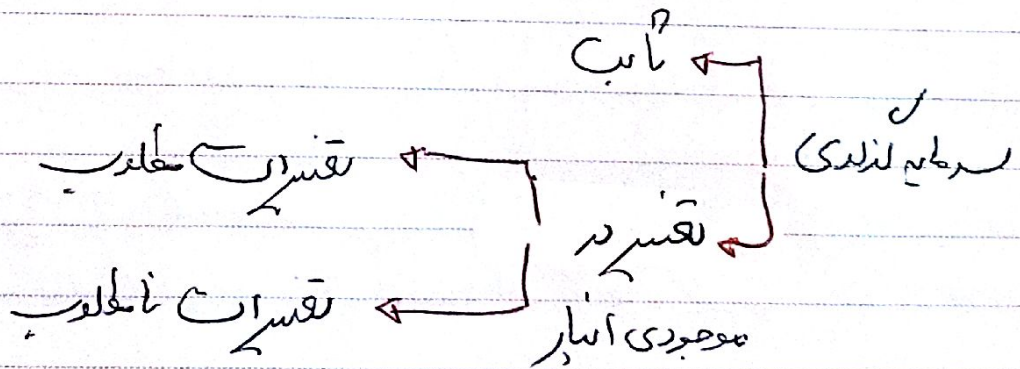


خرید ماشین آلات دست دوم در اقتصاد هلال سرمایه گذاری حساب نمی شود چون یک بیچاره فروخته و بیچاره دیگر خریده است. فقط از دیدگاه خورد، سرمایه گذاری برای بیچاره به خریده محسوب می شود. وی از دیدگاه هلال، ظرفیت تولیدی جامعه تقسیری نگرد است.

سرمایه گذاری در موجودی اشیاء: این از اهمیت کلیل برخوردار است؛ (تقسیمات در موجودی اشیاء)

① تقسیمات برنا صوری شده و مطلوب در موجودی اشیاء

② تقسیمات برنا صوری شده و نامطلوب و ناخواسته در موجودی اشیاء



که تقسیمات برنا صوری شده مثل سبب عدم نیفادهای سطحی گردند؛

تولید، صنایع پوشاک، موجودی اشیاء خود را برنا صوری شده افزایش می دهند؛

افزایش تقاضای سبب عدم پاسخ دهند

باصطلاح اولی مهر، تولد کنگان لغزم التعمیر، این کار را انجام می دادند

تفسیرات نامحوله در موجودی انبار، یعنی سلا یا سال نسب عید، تولد کنگان

خودس را برای افراسنج تقاضای نسب عید آمده می کرد. ولی تصویرت بسنج بسنج

نور، بسنج کروزنا بسنج آمد

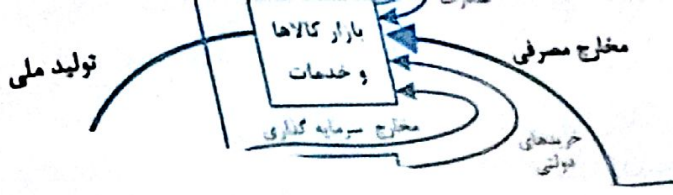
باصطلاح کارخانه ای در حال تولد کالایی است. ولی دولت بلیغ تقبی می سرد و

بازار تولد داخلی محمولی، بهار استقلال می شود و بازار، به خاطر ولادت

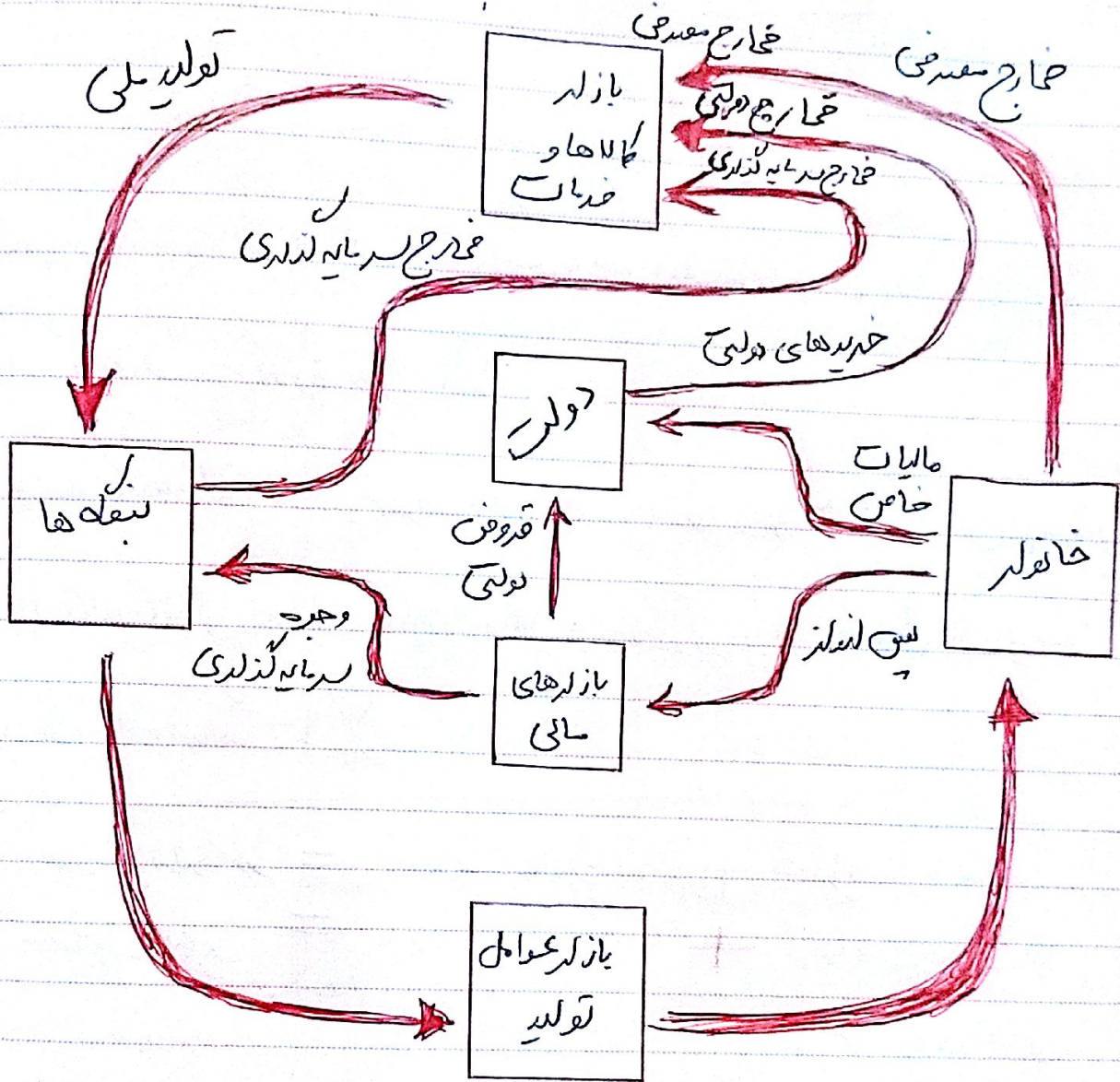
نزارید کاله، انباشت شود

تفسیرات نامطلوب	تفسیرات مطلوب	سرمان لاری در
ویرانه ریزی زده	ویرانه ریزی زده	موجودی انبار =
در موجودی انبار	در موجودی انبار	

عرفه من = تولد ملی = دراصد ملی = خارج کل



### حال اندر شده یعنی را بررسی می کنیم



فرض می کنیم که

- ۱) نوکس وجود دارد
- ۲) بازار مالی وجود دارد
- ۳) اعتماد دهنده است

Year: ۷۹۲

Date: \_\_\_\_\_

Page: ( ۱۹۹ )

### در این مدل:

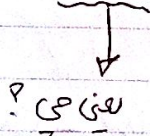
حالت‌ها، وقتی که درآمد خود را به سلفی مالیات به دولت پرداخت می‌کنند.

یعنی درآمد ملی به سلفی مالیات تکلیفی می‌شود.

۱) بخشی از درآمد ملی به مخارج معرفی اقتصاد تبدیل می‌گردد.

۲) بخشی از آن پس انداز می‌شود.

۳) بخشی به صورت خالص مالیات‌ها ظاهر می‌شود.



درآمد ملی = مخارج مل + پس انداز + خالص مالیات

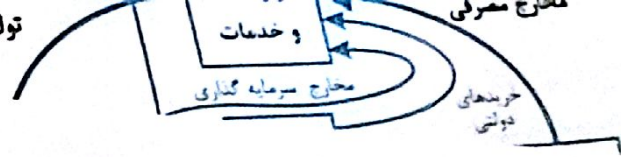
چرا از سلفی خالص اقتصاد کردیم:

دولت، مالیات‌هایی را که می‌گیرد، بخشی از آن را به سلفی نقدی به خود مردم برمی‌گرداند.

در قالب، باران، کمک‌های معیشتی، بفرماندهای کمک‌های افراد تحت پوشش کمیته.

اصناف و غیره

AZAD



و این کار، از نیروهای خاص به شکل سبزی‌های افکار کتب پولیس،  
 برداشت می‌کند.

اللہ حقوق بازنشستگان، در این قسمت حساب نمی‌شود. این، حقوق  
 است. یعنی در مقابل از این خدمات، آن را دریافت می‌کنند. (خبر است که طی  
 به سال انجام دادند)

خالص مالیات = درآمد دولت - برداشت‌های اتقالی دولت

از راست به چپ ←  
 حالت بی‌جانیه و بلاعوض کلرد

دولت، این کار را می‌کند. از طرف دیگر این درآمد صرف خرید سبزی طلا و خدمات  
 در بازار می‌کند. به همین دلیل خالص سبزی از دست دولت به طرف بازار کلارد  
 خدمات داریم که اسم آن مخارج دولتی است.

در این مدل برخلاف مدل قبلی، هم کالاها و خدمات تولیدی و هم خدمات در اقتصاد ملی را به عنوان تولید ملی است، را شامل می‌شود یا نگاه‌ها می‌کنند.

بلکه بعضی در این کالاها را دولت می‌خرد (برای انجام وظایف خودش)

مثلاً لوازم و تجهیزات اداری، سرمایه‌گذاری برای پروژه‌های بزرگ

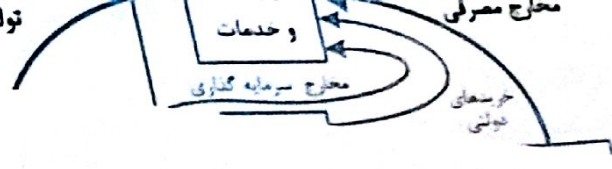
مانند فرودگاه‌ها، نیروگاه‌ها، سافت بیابان‌ها، برق‌رسانی و ...

فردی‌های این حالت:

خدمت‌ها = تولید ملی = درآمد ملی = مخارج کل

مخارج کل = مخارج معمری + مخارج سرمایه‌گذاری + مخارج دولتی

درآمد ملی = مخارج معمری + سپه اندلر + خالص مالیات



بلند

یک فلسف از دست بازارهای مالی به سمت دولت زده شده است -  
 این مال زمانی است که دولت گری بردارد و با بانک و گری بودجه را از طریق  
 استقراض نه بانک تامین کند.

اگر صحبت فلسف برعکس بود و دولت، فلسفی را به سمت بازارهای زده بود، معنیش  
 این است که دولت در حلال بی تفاوت بهی های قلبی خود است -

ولی در این حالات، دولت با گری بودجه در بیروست و مخارج دولت از درآمدش  
 بیشتر است و این گری را از طریق استقراض از بانک و سایر بازارهای مالی  
 می تواند تامین کند.

در حین حال اخیر، دولت از طریق واگذاری بخشی از سهام خود در شرکت ها،  
 منابع مالی خودش را از بورس تامین کرد. یعنی بخشی از گری خود را با واگذاری  
 سهام دولت از طریق بورس، حبرال کرد. (مردم با دعوت دولت به بورس  
 وارد شدند و خیلی افراد ضرر کردند)

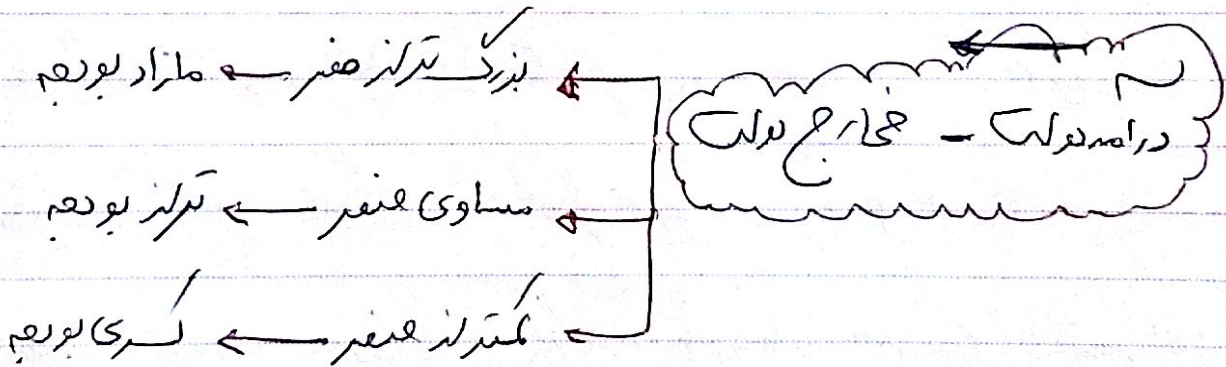
در سرای کتونی، نقدینی کم شده فقط از این دارایی ها کم شده و نقدینی  
سردیای خودش باقی است -

در ورود به بازار طلا، در دوازده صحت، خوب است ولی در نوبت مدت ممکن است  
صندوق داشته باشد -

ملک در ایران کمترین ریسک را دارد -

به نظر من سر صحبت در این :

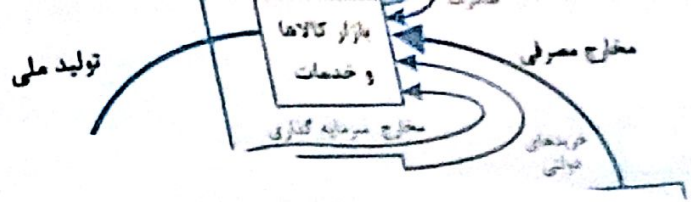
تفکیک به دولت، اقلیت بین مخارج و خالص مالیاتس می تواند + ، - یا ۵



در فرمول بالا، وقتی که درآمد دولت، درآمد مالیاتی می باشد، دولت، عوارض دیگری نیز  
داده است. در این صورت، تفاوت منفی و مثبت آن است -



تقاضای کل اسمی: ۶  
در یک اقتصاد در طول



از بازار مالی تأمین کرده

کری بوده که نه کمبوده نه مازادش را داشته، از طریق استقراض از بانک

و صندوق بازنشستگی تأمین می کند (از بازار مالی تأمین می کند)

ولی نه ایران، دولت از روش های دیگر نیز تأمین می کند.

یکی از بهترین راهها، استقراض دولت از بانک مرکزی بوده. یعنی تسهیلات

یعنی تزریق نقدینگی و افزایش نقدینگی یعنی تورم. و تورم یعنی کاهش قدرت

خرید من و شما

وقتی دولت از بانک مرکزی استقراض می کند یعنی دلد از مابالای می گیرد با

کاهش قدرت خرید و ایجاد مابالای. به این امر مابالای تورمی می گویند

و این روش تأمین مالی که بوده، بهترین روش تأمین مالی است.

در حالت تورمی، حقوق بگیران که در نامه بانک دارند، بیشترین سهم را از این مابالای تورمی برداشته می کنند. کسی که تولید کننده باشد یا کاسب باشد،

نرخ خود را بالا می برد، ولی حقوق بگیران، نمی توانند این کار را انجام دهند.

تأمین کسری بوده می باشد.

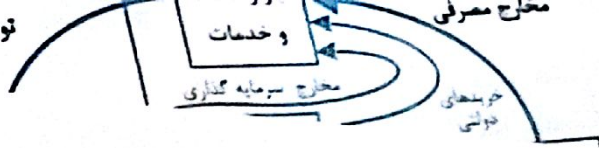
این اتفاق در کشورهای همچون سوئد بیستر اتفاق می افتد. دولت ، بانک مرکزی را مجبور به چاپ اسکناس می کند. این منابع را دولت هزینه می کند ، حجم پول و نقدینگی بالا می رود. تقاضای مردم برای خرید ، افزایش می یابد و تورم افزایش می یابد.

این تورم را نیز بیستر ، حقوق دلبران ، با کاهش قدرت خریداران ، متحمل می شوند. کسانی که دلار این های ثابت دارند (املاک ، ماشین و ...)

در شرایط تورمی ، نفع می برد. و این صنف با عیب افزایش حاصله طبیعی می شود. در حقیقت دولت از دهک های پایین درآمدی ، کسری بوده خود را تأمین می کند.

دولت ، در اقتصاد دلبران ، زیادی بزرگ و ناچار آمد می باشد. (عبدالکریم است) و ناچار آمدی ها ، سوء مدیریت ها ، اختلاس ها و ... به این اسلوب ، دامن

می روند. البته فکر کنیم ما نیز مزید بر علت بود.



عکس کلیدی وجود دارد به عنوان ، استقلال بانک مرکزی

ولی در ایران ، بانک مرکزی ، رئیس بانک مرکزی باید معاد وزیر اقتصاد ، عیون

می شود در حقیقت این در دولت است . در حالی که مهم ترین وظیفه بانک مرکزی

در هر کشوری ، حفظ ارزش پول آن کشور است . ولی وقتی که بانک بتواند

این کار را انجام دهد ، نقدی آن ویران کننده خواهد بود .

در حالی که مقصد اصلی تورم خود دولت است ، استفاده بازور و به اصطلاح بلیت و

بینه ، سعی در کاهش فشارهای اجتماعی دارند .

روش های نامناسبی بوجه :

① استقراض از بانک مرکزی (بذرتن ، ساده ترفی ، اولین روش)

② خرید و فروش اوراق قرضه (ملکات)

می تواند با فروش اوراق ملکت به مردم ، فقط جای پای پول داریم و پول جدیدی

به اقتصاد کشور وارد نمی شود . رشد نقدی ندارد و اگر توری باشد باید داریم

③ استقراض از خارج : سایر کشورها ، صندوق بین المللی پول ، بانک جهانی

اللهم اني بعادها هم ولي نزلتيم لرحمة خودمان استعدا كنيم و  
عام كنيم . نماطه صامتا سياسي و مخالف امريكا و حقوق و حقوق كه كند.

حالا

در الكوي نه يعني

عرفه كل = توليد ملي = مخارج كل = درآمد ملي

مخارج كل = مخارج مصرفي + مخارج سرمايه گذاري + مخارج دولتي

درآمد ملي = مخارج مصرفي + سپه اندك + خالص ماليات

و در ادامه به برقي ريس هاي نامين كسي بورد بكاره كردم

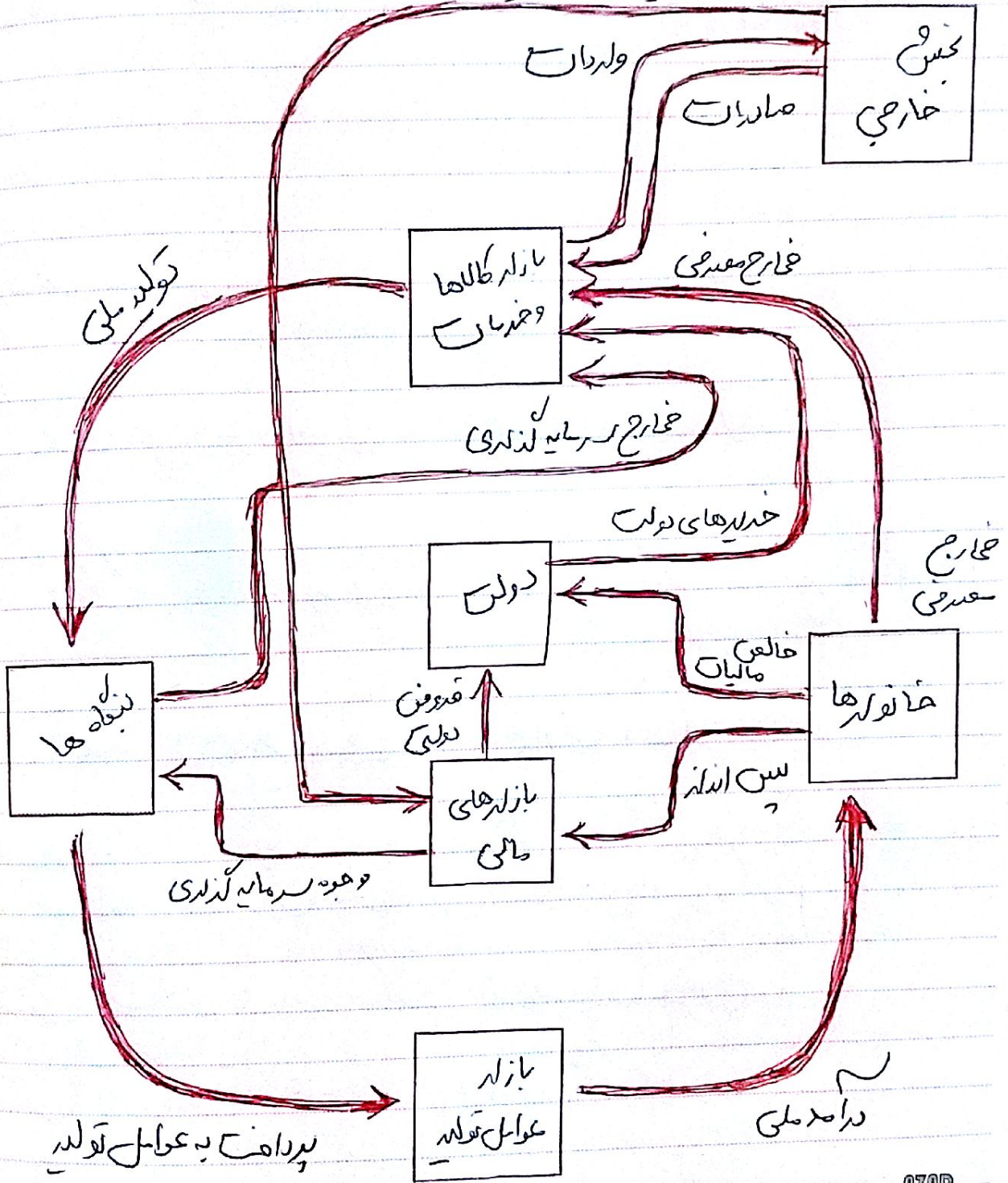
۱) استقراض از بانك مركزي (مبادي استقراض)

۲) استقراض مستقيم از مردم (اوراق گارانت يا قرضه)

۳) استقراض غير مستقيم از مردم (استقراض از بانك) صندوق بازنشستگان و ...

۴) استقراض از خارج (كردن هاي ديگر سازمان هاي پولتي بين المللي و ...)

حال می رسم به ارزی یعنی  
 قرون از خارجیان برای تأمین کسری تجاری



تناضی کل اسمی: عبارت از کل ارزش ...  
ریک اقتصاد در طول ...

تبادل یا عدم تبادل

Date: \_\_\_\_\_

Page: ( ۲۵۴ )

در آردی می رهی، هر سه فرقی اولیه را کنار می گذاریم  
③ ارتباط با دنیای خارج نیز دارد.  
② دولت دارد  
① مازاد باقی دارد

بازنیای خارج ۲ نوع ارتباط داریم  
① ارتباط تجاری که به شکل صادرات و واردات است.  
چون داریم جریان پولی را بررسی می کنیم، مجلس آن در مجلس توقع به است  
وقتی کالا صادر می کنیم، وجه آن را دریافت می کنیم (مجلس به داخل)  
و برای واردات، در مجلس است.

② بحث ورود و خروج سرمایه هم داریم.  
بیا جریان ورود سرمایه داریم - که در شکل نشان دادیم است -  
بیا جریان خروج سرمایه از کشور نیز داریم - که در شکل، به صورت جریان  
آن در تقدر گرفته شده است.

یعنی بیشتر ورود سرمایه داریم تا خروج سرمایه.

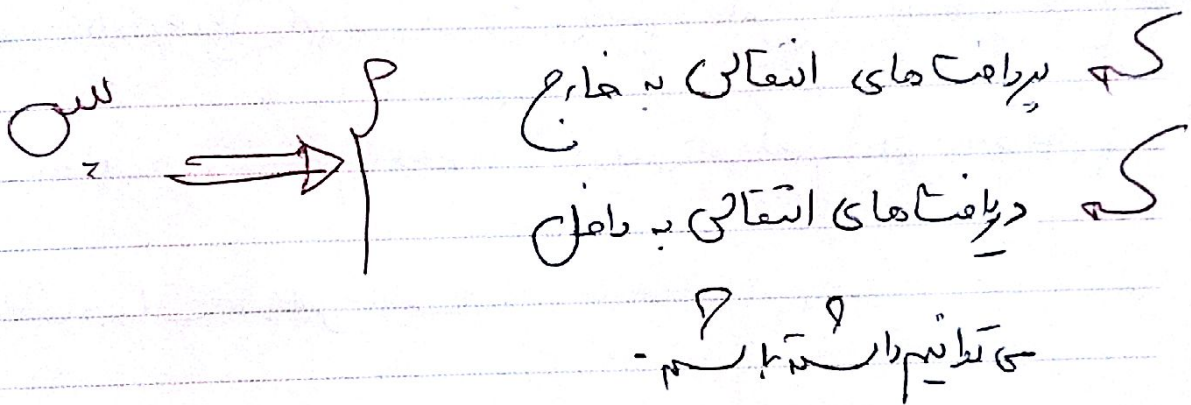
الدینی تواند انتقال مختلف داشته باشد.

✓ می تواند به اسفل غیر مستقیم باشد. مانند سپرده گذاری در بانک ها

✓ می تواند به اسفل مستقیم باشد. مثلا یک کارخانه ای در یک کشور دیگر داشته باشد.

✓ می تواند به اسفل دریافت وام از سایر کشورها باشد.

✓ می تواند به اسفل پرداخت وام باشد.



مثلا پرداخت های انتقالی به خارج، هزینه هایی که به بین باعراوق ارسال می شود

یا مثلا کمک های نظامی امریکا به اسرائیل، دریافت انتقالی به خارج حساب می شود

دریافت انتقالی به خارج نیز می توانیم داشته باشیم. مثل کمک های بلاعوضی

به کشور مثلا کمک های نه حواری غیر مستقیم به کوری شود

سین، فلسفی نه در بالای کتب خارجی می بینیم، بدانند می باشد.  
کتب ورود و خروج سرمایه است که می تواند به سطح سرمایه گذاری  
مستقیم یا غیر مستقیم باشد.

مستقیم ← کارخانه ای نه گزردنیری فعالیت اقتصادی انجام دهد

غیر مستقیم ← در بانک ها یا بورس سایر کورها

یا وامی نه به دولت ها یا نفاذهای دهیم

یا وامی نه از دولت ها و یا سایر نفاذها دریافت می کنیم

در کنار هم این موارد

برداشتها و دریافت های انتزاعی از خارج و یا به خارج را داریم.

✓ دریافت های انتزاعی از خارج ✓ برداشت های انتزاعی به خارج

همه این موارد می تواند در آن فلسف شامل شود و یا اگر عواقب می تواند به صورت

حداقله، باشد

که چون آن فلسف برآید است.



روابط در مدل حسابداری

$$\text{درآمد ملی} = \text{مخارج مصرفی} + \text{سپس انداز} + \text{خالق مالیات}$$

$$\text{مخارج مصرفی} = \text{تولید ملی} = \text{مخارج کل}$$

$$\text{مخارج مصرفی} + \text{مخارج سرمایه} + \text{مخارج دولتی} + \text{صادرات} - \text{واردات}$$

تولید ملی

برای درک بهتر، یک سوال مطرح می کنیم :

کل کالا و خدماتی که در اقتصاد ملی ما تولید می شود را با کسب و کارهای خرد -

✓ بخشی را خانوارهای خرد - مخارج مصرفی خانوار

✓ بخشی را بنگاههای خرد - مخارج سرمایه گذاری

✓ بخشی را دولت می خرد - مخارج دولتی

✓ بخشی را خارجیان می خرد - صادرات

واردات را هم در هم  $\&$  نکته مهم



باسف : به فرمول وقت کسب

عای خدایم تولید ملی را حساب کنیم. ولی آیا مخارج معضی که خانوار انجام می دهد به خرید کالا های تولید شده در داخل کشور اقتصا من می یابد؟

باسف غیر یعنی از مخارج معضی ما، خرید کالای خارجی است و جزو تولید ملی حساب نمی شود

۱) پس باید کالاهای معضی خارجی را تبدیل فرمول کنیم سرچین تا مخارج وارداتی

انفاص کرده در کالای خودمان که همان تولید ملی است بدیم.

مثلاً ما دلاریم خا شای معضی می کنیم که یعنی از آن وارداتی هسته.

۲) نگاه هائیز بگیری ما این آلات خریداری می کنند که وارداتی هسته.

این را نیز باید بگویم که پس

اگر واردات را کمتر کنیم باعث صافه در تولید ملی می شود

۳) حتی در مخارج دولت نیز داریم.

۴) حتی در صادرات مثلاً بگیری کالاهای صادراتی کنیم که با قفولان وارداتی ما کنیم

مثلاً صادرات مجدد است. یعنی وارد کردیم، دلاریم می دهیم به بعد.

مفادى كل اسمى: عبارت از كل ار  
در يك اقتصاد در طول ...

توليد ملي

که پس باید ارزش واردات را که در این حالت نفوذ کرده باید هم کنیم  
که تا هم تولید ملی رفیق باشد و اغراق نه باشد

سوال دانشجو:

پس یک فروش نفت و نفت معدن خام چگونه

پاسخ: عواید حاصل از فروش نفت خام و معدن، در حساب های ملی

به ثبت درآمد دولت به حساب می آید. و دولت بخشی از کسری بودجه

خود را از همین محل تأمین می کند. (متاسفانه)

منتهی به نام صندوق توسعه ملی وجود دارد که بخشی از عواید فروش

نفت، وارد صندوق می شود. در این که صرفاً اقتصادی به بار

قدردان است که آن استناد شود.

در واقعیت نباید درآمد محسوب شود. اینده کمی، فروش زیر باسج ای می فروشند

و منبع فروش می کند، در اصل حساب نمی شود. در اقتصاد طلب نیز به همین



۱۵  
 تسلی می باشد و بی در اختیار ایران ، متاسفانه ، بشیران در آمد دولت  
 سود می شود و باید سود سرمایه گذاری مجدد در بی سود مخارج معمر می دولت  
 می شود

خلاصه قبول جا

عرضه کل = درآمد ملی = تولید ملی = مخارج کل

مخارج کل = مخارج معمر می + مخارج سرمایه + مخارج + صادرات - واردات  
 لندی دولت

۱۶  
 درآمد ملی به سه تسلی استقامتی سود

مخارج معمر می + پس انداز + حالفن مالیات

درآمد دولت - مخارج دولت  
 ماناد بودیم ۱۰  
 تراز بودیم ۰  
 کسری بودیم ۱۰

را عمل  
گرفتن بودیم

الستقراض بانک مرکزی

الستقراض مستقیم از مردم

الستقراض غیر مستقیم از مردم

الستقراض از خارج

جلسه دو کلاسیم ۳۰ روز